

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



موضوع پایان نامه:

بررسی آراء فخر رازی و ملاصدرا درباره نسبت بین اراده ی خدا و آزادی انسان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر زاهدی

استاد مشاور:

جناب آقای استاد مرتضوی

دانشجو:

لیلا روستایی

پاییز ۱۳۹۰

تقدیم بہ تمامی کسانی کہ وجودشان را ہمایان راہ اندیشہ است.

سایسکر معلمی، ہستم کہ بہ من اندیشیدن

رامی آموزد نہ اندیشہ مارا

چکیده

آیا رابطه‌ی بین خدا و انسان بسان رابطه‌ی ارباب با رعیت خویش است؟ آیا خدا در ارتباطش با آدمی نقش یک عروسک گردان را ایفا می‌کند و یا اینکه انسان هم در کارهای خود از اراده‌ی آزاد برخوردار است؟ آیا علم مطلق خدا به همه چیز، افعال انسان را به منظور جلوگیری از تبدیل علم به جهل گریز ناپذیر می‌سازد؟ آیا با پذیرش قدرت مطلقه‌ی خدا بر همه چیز، پذیرش جبر در افعال انسان نیز حتمی است یا خیر؟ تقدیر، پاداش و کیفر و مسئله‌ی شر چگونه توجیه می‌شود؟ پاسخی که این نوشتار به این سؤالات خواهد داد علاوه بر تلاش برای نشان دادن یک چشم انداز کلی در این موضوع، به طور خاص بر گرفته از مباحث فکری دو چهره‌ی شاخص تفکر، فخر رازی و ملاصدرا، شیرازی است. جستجو در مبانی فکری رازی مانند بحث حدوث و قدم عالم، قضا و قدر، علم خدا علی‌الخصوص به امور جزئی و جزئیات، نحوه‌ی فاعلیت خدا که برخلاف فاعلیت انسان از تداوم برخوردار است، مسئله‌ی شر و معجزه، تقسیم بندی موجودات به واجب و ممکن و رابطه‌ی بین آنها، ملاک نیازمندی معلول به علت خود... و نیز مباحث فکری صدرا چون مسائل و ملحقات وجود، قضا و قدر، تبیین معجزه، علم خدا، تشخیص، مسائل مربوط به حوزه‌ی معاد و... از مهمترین مباحث این فصول هستند. آنچه سیمای رازی را به عنوان فیلسوفی که سلف او جبری مسلک بوده اند، نشان می‌دهد تنها یک روی سکه است. او با ادله فراوان علم و قدرت خدا را غیر منافی با اختیار انسان تبیین می‌کند. ملاصدرا نیز با تکیه بر اصول اختیار را از انسان سلب نمی‌کند اما در واقع به نحو اصولی به نوعی جبر که همنام با تمامی اصول فلسفی اش می‌توان آن را «جبر وجودی» نامید، تکیه کرده است هرچند این نتیجه را به طور ضمنی از آراء رازی نیز می‌توان گرفت. همسوئی و هم‌رایی دو شخصیت در بسیاری از آراء فلسفی و بالتبع برداشت نتایج مشابه از آنها در عین اختلافات خاص به هر یک، از نکات درخور این مکتوب است.

واژگان کلیدی: فخر رازی - ملاصدرا - اراده‌ی آزاد - جبر - اختیار - خدا - انسان

تهدیر

به رسم زندگی و ضرورت پاسکداری از یگانه خالق عالم وجود و بخشنده ی عقل و زبان، مراتب عبودیت و شکرگزاری را به بارگاه آن حکیم فرزانه به جای می آورم. و به تاسی از امرش و صداقت ایمان، بر بهترین بندگانش محمد مصطفی (ص) و خاندانش، درود و سلام می گویم. کمال قدردانی، ادب و احترام را به اساتید ارجمندی که ساحت اندیشه ام را از تیرگی های جهل، جلا بخشد و بانور علم روشنی بخش فهمم کردیدند، تقدیم می دارم. از راهبهای این پروژه، جناب دکتر محمد صادق زاهدی و مشاور بنده در این طرح جناب استاد سید قلیح مرتضوی کمال تشکر و قدردانی را دارم و آرزوی سلامتی و بهروزی می نمایم. از تمامی اساتیدی که از محضرشان آموختم، جناب دکتر مجید ملایوسفی، دکتر رضارسولی شهربانی که داورى داخل این پروژه را نیز متقبل شدند و سرکار خانم دکتر کافندی که داورى خارج این پایان نامه را قبول زحمت نمودند، نهایت سپاس و تشکر را دارم و از خدا برای تمامی این عزیزان توفیق روزافزون را مسئلت می نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	چکیده.....
۱.....	الف: طرح مساله.....
۱.....	ب: سوالات و فرضیات اصلی.....
۲.....	ج: پیشینه ی نظری پژوهش.....
۲.....	د: روش تحقیق.....
۴.....	خ: مروری بر مباحث فصول.....
۴.....	فصل اول: کلیات.....
۵.....	مقدمه.....
۶.....	الف: مباحث واژگانی.....
۶.....	۱- اراده.....
۷.....	۲- جبر.....
۸.....	۳- اختیار.....
۱۰.....	۴- آزادی.....
۱۰.....	ب: تحلیل کلی اراده.....
۱۱.....	۱- وجود شناسی اراده ی خداوانسان.....
۱۱.....	۱-۱- اراده ی انسان.....
۱۲.....	۱-۲- اراده ی خدا.....
۱۲.....	۱-۲-۱- راهکارهای شناخت اراده ی خدا.....
۱۲.....	۱-۲-۱-۱- قواعد فلسفی.....
۱۳.....	۱-۲-۱-۲- رویکرد خلف.....
۱۳.....	۱-۲-۱-۳- دیدگاه درون دینی.....
۱۴.....	۱-۲-۱-۴- اراده ی خدا به عنوان يك "اعتقاد پایه".....
۱۵.....	۲- معنا شناسی اراده ی خدا.....
۲۰.....	۳- حقیقت اراده چیست.....
۲۱.....	۳-۱- اراده "غیر یکنواخت" است.....
۲۲.....	۴- پیوند اراده ی خدا با صفات دیگر.....
۲۲.....	۴-۱- اراده و علم.....
۲۳.....	۴-۲- اراده و قدرت.....

۲۴	۳-۴- اراده و اختیار
۲۵	۵- تقسیم بندیهای اراده ی خدا
۲۵	۱-۵- اراده ی ذاتی و غیر ذاتی
۲۶	۲-۵- اراده ی اجمالی و تفصیلی
۲۷	۳-۵- اراده ی تکوینی و تشریحی
۲۷	۶- اشتراکات و اختلافات اراده ی خدا و انسان
۲۷	۱-۶- اشتراک اراده ها
۲۸	۲-۶- اختلافات اراده ها
۳۰	فصل دوم: بررسی دیدگاههای فخر رازی درباره ی اراده ی خدا
۳۱	مقدمه
۳۲	۱- تحلیل اراده
۳۳	۱-۱- وجود شناسی اراده
۳۳	۲-۱- تحلیل ماهوی اراده
۳۷	۲- فرق بین مرید مختار و موجب
۳۸	۳- محدوده ی اراده ی خدا کجاست؟
۳۸	۱-۳- دلیل اول
۳۹	۲-۳- دلیل دوم
۳۹	۳-۳- دلیل سوم
۳۹	۴-۳- دلیل چهارم
۳۹	۵-۳- دلیل پنجم
۴۰	۶-۳- دلیل ششم
۴۰	۴- علم خدا
۴۲	۱-۴- براهین رازی در اثبات عالم نبودن خدا به جزئیات
۴۲	۱-۱-۴- استدلال اول
۴۲	۲-۱-۴- استدلال دوم
۴۲	۳-۱-۴- استدلال سوم
۴۳	۴-۱-۴- استدلال چهارم
۴۳	۵-۱-۴- استدلال پنجم
۴۳	۲-۴- علم خدا به همه ی معلومات

۴۴	۵- رابطه ی علم و اراده ی خدا
۴۵	۶- علم خدا و اختیار انسان
۴۷	۷- قدرت خدا از نظر رازی
۴۸	۸- رابطه ی قدرت و اراده ی خدا
۴۹	۹- تقدیر
۵۰	۹-۱- اثبات نقش تقدیر در افعال انسان
۵۰	۱۰- امر و نهی ، پاداش و عذاب
۵۱	۱۰-۱- سازگاری امر و نهی و پاداش و عذاب با تقدیر
۵۱	۱۱- فاعلیت خدا و انسان
۵۳	۱۲- ضرورت و اختیار
۵۴	۱۲-۱- ضرورت طرح مسئله ی حدوث و قدم
۵۵	۱۳- شر
۵۶	فصل سوم : بررسی دیدگاههای ملاصدرا درباره ی اراده ی خدا
۵۷	مقدمه
۵۹	۱- اصول فلسفی
۶۰	۱-۱- خود بودگی وجود
۶۲	۱-۲- تشکیک در وجود
۶۳	۱-۳- جوهر متحرک
۶۶	۲- تحلیل ملاصدرا از اراده خدا
۶۶	۲-۱- وجود شناسی اراده
۶۷	۲-۲- تحلیل ماهوی اراده
۶۸	۳- محدوده ی اراده ی خدا
۷۰	۴- علم خدا
۷۲	۴-۱- فرایند علم ، اثبات اختیار
۷۴	۵- رابطه ی علم و اراده ی خدا
۷۵	۶- قدرت خدا
۷۶	۷- رابطه ی قدرت و اراده ی خدا
۷۷	۸- فاعلیت خدا و انسان
۷۸	۹- شر

۱۰-	تبیین صدرا از معاد ، ثواب و عقاب ؛ رهیافتی بر اختیار و اراده ی انسان	۷۹
۱۱-	نقد دیدگاههای مختلف درباره ی اختیار	۸۱
۱۲-	تبیین صدرا از امر بین الامرین	۸۳
۱۳-	تماثیلی از نسبت اراده خدا و انسان	۸۴
۱۳-۱-	تمثیل اول	۸۴
۱۳-۲-	تمثیل دوم	۸۴
	فصل چهارم : مقایسه ی آراء رازی و صدرا درباره ی نسبت اراده ی خدا و آزادی انسان در	
	چشم اندازی کلی	۸۶
	مقدمه	۸۷
۱-	رابطه ی علم خدا با آزادی انسان از نگاه رازی و صدرا	۹۰
۲-	رابطه قدرت خدا و آزادی انسان در آراء صدرا و رازی	۹۹
۳-	رابطه ی شر و مسئله اختیار در آراء رازی و صدرا	۱۰۳
۴-	رابطه ی معجزه با علیت و اختیار انسان در نظریات رازی و صدرا	۱۰۷
۵-	رابطه ی سرنوشت و تقدیر با آزادی بشر از نگاه رازی و صدرا	۱۱۴
۵-۱-	سرنوشت هم معنا با تقدیر	۱۱۵
۵-۲-	آیا تقدیر صورت علمی و عقلی می پذیرد	۱۱۷
۵-۲-۱-	تقدیر همچون احتمال	۱۱۷
۵-۲-۲-	تقدیر همچون ضرورت	۱۱۸
۶-	رابطه ی پاداش و کیفر با اختیار انسان در آراء صدرا و رازی	۱۲۱
۷-	رابطه ی اختیار با ضرورت علی در نظریات صدرا و رازی	۱۲۱
۷-۱-	کسب	۱۲۶
۷-۱-۱-	لوازم اجتناب ناپذیر کسب	۱۲۹
۷-	نتیجه گیری	۱۳۲
۸-	منابع و مأخذ	۱۳۹
۹-	پی نوشتها	۱۴۵

طرح مساله

پرسش از داشتن یا نداشتن آزادی از کهن ترین مسائلی است که انسان با آن مواجه بوده و است. واقعیت این است که این پرسش هم در حیطه ی ارتباطات حاکم بین انسانها مطرح می شود که در این صورت از طرح ، خدا باوری یا عدم آن تاثیر و دخالتی در مساله ندارد و غالبا از دیدگاههای جامعه شناختی و روان شناختی مورد مطالعه قرار می گیرد. اما طرح این سوال در بین خداباوران ، هم شامل آزادی انسانها در نظام ارتباطی آنها با یکدیگر است و هم آزادی آنها را در نوع رابطه ایشان با خدا در بر می گیرد . بحث حاضر با نگاهی عقلی به طور خاص به بخش دوم از صورت دوم این اقسام می پردازد و دو چهره ی شاخصی که این پژوهش دیدگاههای آنها را بررسی می کند ، یکی فخر رازی فیلسوف و متکلم اشعری است که علاوه بر لحاظ اندیشه های جبرگرایانه ی سلف خود ، از آرائی برخوردار است که سهم آزادی انسان را نادیده نمی گیرد و غالبا تبیین هائی متفاوت از اندیشه ی پیشینیان خود عرضه می کند که نه تنها جبر را اثبات نمی کند بلکه نقاط ضعف اندیشه های آنها را آشکار می کند. و دیگری ملاصدرای شیرازی فیلسوف متاله است که با تکیه بر اصول خاص خود آزادی انسان را در پرتو وجود او تبیین می کند در عین اینکه همان وجود را لامحاله از خدا و نه از انسان می داند.

پرسش های تحقیق

- ۱- معانی و ملحقات اراده آزاد چیستند؟
- ۲- رازی اراده ی خدا و انسان را چگونه تحلیل می کند؟
- ۳- تحلیل ملاصدرا از اراده ی انسان و خدا چگونه است؟
- ۴- سهم آزادی انسان در برابر خدا در آراء رازی و صدرا به چه میزان است؟

فرضیه های تحقیق

- ۱- اراده ماهیتی نامعلوم و وجودی معلوم دارد که می توان آن را نیرو و توانائی خاصی در انسان دانست . این توانائی می تواند با ویژگیهای دیگری چون علم و قدرت رابطه داشته باشد.
- ۲- به نظر می رسد رازی اراده ی خدا را متفاوت از اراده ی انسان می داند که با قدرت و علم خدا نیز عینیت ندارد و به نحوی عام و فراگیر است .
- ۳- اصول فلسفی ملاصدرا، کلیه ی صفات خدا از جمله اراده ی او را عین ذات بسیط او و واحد به وحدتی خاص می داند که شمول و فراگیری آن همه جانبه است.

۴- در آراء رازی و صدرا هر دو، سهمی از آزادی برای انسان لحاظ شده است. رازی با طرح مباحث کلامی پیشین به تبیین صحیح آنها می پردازد و از این طریق ایده ی نهائی خود را نشان می دهد. صدرا وجود را جبراً از خدا و در عین حال هر موجودی را دارای اراده می داند.

پیشینه ی تحقیق

به طور کلی در باره ی فخر رازی و علی الخصوص ملاصدرا پژوهشهای فراوانی صورت گرفته است. اما به طور خاص در مسئله ی اراده آزاد و اختیار هر چند به شکل منفرد خصوصاً از رازی با توجه به اندیشه ی جبرگرایانه ی سلف او، تحقیقاتی صورت پذیرفته است، به عنوان نمونه آقای اسکندر معمر اوغلو کتابی درباره ی مقایسه ی آراء فخر رازی و آکوئیناس در باب قدم عالم نگاشته که اشاراتی به صفات خدا از نگاه رازی در آن داشته است، اما به طور خاص به اراده ی خدا پرداخته است. آقای عبدالحسین کافی مقاله ای در خصوص جبری یا اختیاری بودن ایمان و کفر نوشته است که در فصلنامه ی حدیث اندیشه شماره ی پنجم بهار و تابستان ۱۳۸۷ موجود است اما همانطور که گفته شد تنها در خصوص ایمان و کفر است. علاوه بر آن، فقط دیدگاه رازی را در مفاتیح الغیب او بررسی نموده است. در شرح آراء ملاصدرا نیز مطالعات و تحقیقات گسترده ای صورت گرفته است؛ هانری کربن، در کتاب صدرالدین شیرازی معروف به ملاصدرا تحقیق گسترده ای درباره ی زندگی و آراء ایشان انجام داده است. سید جلال الدین آشتیانی نیز در شرح حال و آرای فلسفی ملاصدرا به بررسی کلیه آراء او پرداخته است. اما این موضوع با محوریت مقایسه ی آراء این دو شخصیت در آراء فلسفی- کلامی- آنها تا کنون بررسی نشده است.

روش تحقیق

روش کار در این پژوهش اسنادی - کتابخانه ای است. متون استفاده شده در این نوشتار را می توان به متون دست اول و دست دوم تقسیم کرد. از کتب دست اولی که از آنها در خصوص آراء رازی بهره گرفته شده، می توان به المباحث المشرقیه مشتمل بر دو جلد، المطالب العالیه فی العلم الالهی مشتمل بر نه جلد، البراهین در علم کلام مشتمل بر دو جلد، الاربعین فی اصول الدین، المحصل الافکار المتقدمین و المتأخرین من العلماء و الحكماء و المتکلمین اشاره کرد. و از کتب دست دومی که درباره ی آراء رازی نگاشته شده، می توان از فخر الدین الرازی و آراء الکلامیه و الفلسفیه نوشته ی زرکان ام صالح، دیدگاه فخر رازی و آکوئیناس در باب قدم عالم، ترجمه عذرا لو علیان لنگرودی و تحقیقی درباره ی فخر رازی و مباحثاتش در ماوراء النهر نوشته فضل الله خلیف نام برد. از کتب دست اول استفاده شده در خصوص آراء ملاصدرا می توان به کتابهای، الاسفار الاربعه مشتمل بر نه جلد، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، رساله ی خلق اعمال و از منابع دست دوم می

توان به تاریخ فلسفه ی اسلامی جلد پنجم نوشته ی آقای حسین نصر و الیور لیمن ، رساله ی اتحاد عاقل و معقول ، ترجمه علی بابائی اشاره کرد.

مروری بر مباحث فصول

این نوشتار مشتمل بر چهار فصل است . در فصل اول کلیات موضوع بررسی می شود که خود شامل دو بخش است. بخش اول به بررسی واژگانی موضوع می پردازد و بخش دوم تحلیل اراده ی خدا را به طور کلی بر عهده دارد . فصل دوم دیدگاههای رازی را در خصوص اراده ی خدا در قالب دیدگاههای کلامی و فلسفی اش پیگیری می کند و در فصل سوم نظرات و ایده های صدرای دربارۀ اراده ی خدا و نیز اصول فلسفی او بیان شده است . در فصل چهارم مقایسه ی بین دیدگاههای آنها صورت گرفته و در پایان هم به جمع بندی نهائی موضوع پرداخته شده است.

فصل اول

کلیات

مقدمه

در این فصل ابتدا، مفهوم اراده، جبر، اختیار و آزادی، به طور کلی و با تکیه بر نظریات مختلف برای دست یابی به یک نقطه نظر مشترک درباره ی این مفاهیم شرح داده می شود و تعاریف ذکر شده در این رابطه با یکدیگر مقایسه می گردد. همچنین به بررسی اراده در خدا و انسان به عنوان دو طرف بحث حاضر پرداخته می شود تا تفاوتها و شباهتهای اراده در دو طرف مشخص شود. گاهی عدم توجه به این نوع تفاوتها می تواند سرچشمه ی سوء فهم های بسیاری گردد.

علاوه بر بررسی واژگانی موضوع، به تحلیل اراده ی خدا در نگاهی کلی پرداخته می شود. نتیجه ی اجمالی که در این فصل اخذ می شود این است که؛ جستجو در تعاریفی که برای آزادی و اراده عرضه شده است، نشان می دهد که هر چند وجود آنها در هر شخص انسان بالبداهه قابل درک است اما ماهیتی نامعلوم دارد. اراده یک واقعیت غیر یکسان است که در هر فرد از درجه ای مشخص برخوردار است.

محققان برای اراده ی خدا اقسامی چند برشمرده اند که پاره ای از آنها با معارف دینی پیوند می خورد و برخی هم از نگاهی فلسفی دیده می شود. به طور کلی بحث از اراده و آزادی در حقیقت سخن از اموری غیرعینی و انتزاعی است و دشواریهای بررسی این قبیل مسائل را به همراه دارد.

الف : مباحث واژگانی

اختلاف و تشبث آراء در خصوص آزادی داشتن یا نداشتن انسان در افعال خود و اطلاع از لوازم و تبعات آن ، لزوم بررسی الفاظ مرتبط با موضوع حاضر را می طلبد. به همین منظور در این فصل واژگانی مثل اراده ، آزادی ، جبر و اختیار بررسی می شود.

۱- اراده^۱

در خصوص نحوه ی ساخت لفظ اراده اینگونه گفته شده که «اراده اصلش با واو بوده ، لکن واو ساکن شده و حرکتش به ماقبلش انتقال یافته . سپس در ماضی واو آن به الف و در مضارع به یاء بدل شده و در مصدر به خاطر مجاورتش با الف ساکن ساقط گردید و به جای آنها در آخر آمد چنان که گفته می شود ارادَ- یرید- اراده»^۲.

این شیوه ی ساخت کلمه به لحاظ صرفی و نحوی است . کلمه ی اراده به طور عام به معانی «خواستن ، خواسته، میل ، قصد و آهنگ»^۳ ترجمه شده و به طور خاص هم در فرهنگهای فلسفی به معنایی چون «خواستن ، قصد کردن و توجه کردن»^۴ و نیز «اشتیاق به انجام کار و طلب کردن»^۵ معنا شده است.

از آنجا که اراده و اختیار در تعامل، معنا می یابد و رابطه ای دو سویه است و بحث حاضر طرف این رابطه را، خدا، پیش فرض نموده است، واژه ی اراده ، در استعمال خود مرتبط با خدا به این صورت تحلیل شده است « اراده منقول از "راد-یرود" است ، آنگاه که در طلب چیزی تلاش شود . اراده در اصل قوه ای مرکب از میل شدید و نیاز و آرزوست اما اسم قرار داده شده برای میل نفس به چیزی با حکم به اینکه آن عمل شایسته است انجام شود یا انجام نشود ، پس گاهی برای مبداء فعل به معنای میل نفس به چیزی استعمال می شود و گاهی برای منتهای فعل ، یعنی حکم به اینکه آن فعل شایسته ی انجام دادن است ، یا شایسته ی انجام دادن نیست ، به کار گرفته می شود .»^۶ همچنین استفاده از عباراتی

^۱ اراده یا ارادت معادل خواست و در فارسی به معنای آهنگ و در انگلیسی Will و در لاتین به معنی Voluntas است.

^۲ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، تحقیق احمد عبد الغفور عطار، انتشارات امیری، ج ۱، چاپ اول، تهران ۱۳۶۸، ص ۴۷۸ (نقل به معنا)

^۳ علی اکبر دهخدا، لغتنامه، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۷ شمسی، ص ۱۶۰۵

^۴ سید جعفر سجادی، فرهنگ علوم فلسفی و کلامی، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران ۱۳۷۵، ص ۱۳۰

^۵ صلیبا جمیل، فرهنگ فلسفی، ترجمه ی منوچهر صناعی دره بیدی، انتشارات حکمت، تهران ۱۳۶۶، ص ۱۲۴

^۶ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق صفوان عدنان داوری، الوار سامیه، بیروت ۱۴۱۲ هجری، ص

مثل «جداراً یریذ ان ینقض»^۱ نشان می دهد که این واژه برای انسان و غیر انسان کاربردی یکسان دارد. در یک جا هم اراده به اشتراک لفظی بین پسندیدن و خواستن تحقق چیزی^۲ استعمال شده است.

۲- جبر^۳

ریشه ی لغوی جبر «الجیم و الباء و الراء»^۴ و به معنای نوعی عظمت و استقامت دانسته شده است و «اصل جبر، اصلاح شیء به گونه ای از قهر است... و اجبار در اصل واداشتن دیگری است به گونه ای که دیگری را مجبور سازد».^۵ از نگاهی دیگر نیز جبر «یک ایده ی فلسفی است که از نخستین شروط شروط مشخصه ی آن این است که هر چیزی دقیقاً همانگونه که متعین شده است، روی می دهد. و وقوعش امکانی نیست. پس نه در طبیعت امر ممکنی وجود دارد و نه جایی برای اختیار انسان باقی است».^۶ این نحوه از تعاریف برای جبر، مبتنی بر علیت و رابطه ی علی و معلولی اند و جبر در این معنا همان ضرورت علی است که همواره بر یک شیوه ی تغییر ناپذیر بین علت و معلولش در جریان است. اما «امروزه دیگر فرمولهای مکتبی و ساده گرای جبری قرن نوزدهم اعتباری ندارد»^۷ فرمولهایی مثل «علل یکسان همیشه موجب آثار یکسان می باشند»، «قوانین علی استثنا بردار نیستند»، «مناسباتی که بین پدیده ها وجود دارند، ثابت و دائمی هستند»، «طبیعت دارای نظمی واحد و یکسان است» که امروزه برای بخش مهمی از علوم مثل علوم طبیعی و علوم انسانی قابل قبول نیستند. نهایتاً هر علمی از این حیث که به مطالعه ی امور واقع می پردازد و پیشاپیش این نکته را فرض می گیرد که امکان ادغام یا برخورد امور مزبور در یک قالب و مجموعه اختصاصی وجود دارد، با جبر گریبان گیر است. لذا جبر دیگر صرفاً مفهومی وابسته به فلسفه، علیت و ضرورت ناشی از آن نیست، «جبر فقط دربردارنده ی این فرض است که مجموعه ها یا چهارچوب هایی واقعی وجود دارند»^۸، حدودی که به منظور فهم، تحت دیاکتیک اکمال متقابل واقع می شوند. حدودی مانند «اتصال و انفصال»، «کمی و کیفی»، «همگون و ناهمگون»، «برگشت پذیر و برگشت ناپذیر»، «آن و اکنون».

^۱ کهف (۱۸) آیه ی ۷۷

^۲ محمدحسن تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، انتشارات دارالاضواء، چاپ دوم، بیروت ۱۴۰۳ هجری، ج ۱ ص ۱۳۲

^۳ Determinism

^۴ معجم مقاییس اللغة، ابو الحسین احمد ابن فارس، تحقیق عبد السلام محمد هارون، مصر: شرکه مکتبه و مطبعه مصطفی

البابی الحلبي و اولاده بمصر، ۵، ۱۳۸۹، ج ۱ ص ۵۰۱

^۵ مفردات الفاظ القرآن ص ۱۸۳

^۶ Ileana Marcoulesco "Free Will and Determinism" Encyclopedia of Religion, Lindsay Jones, Second Edition, editor in chief – 2 en Ed. P. cm. ۲۰۰۵. Vol , ۵ , P. ۳۱۹۹

^۷ ژرژ گورویچ، جبرهای اجتماعی و اختیار یا آزادی انسانی، ترجمه حسن حبیبی، انتشارات فاروس ایران، ۱۳۵۳،

ص ۳۹

^۸ همان، ص ۴۰

این تقابل ها ، مفهوم جبر را این چنین تبیین می کنند که فی المثل آنچه کم است در محدوده کمیت داخل است و از محدوده ی کیفیت، خارج ، و آنچه متصل است از حد انفصال بیرون است. این حدود در واقع همان جبری است که بر موقعیت ها حاکم است. جبر در این برداشت اگر بتواند تعبیری قابل قبول باشد ، همان چیزی است که « موضع و مقام امور واقع را معین می سازد و آنها را در مکان و محلشان قرار می دهد.»^۱

با این اوصاف یکسان دانستن جبر با علیت و ضرورت علی، تفسیری نادرست از آن به دست می دهد و یا دست کم معنایی اخص از آن را ارائه می نماید^۲، در حالیکه می توان عام تر و نزدیک تر به واقع، جبر را « ادغام امور واقعی اختصاصی و جزئی در یکی از چهارچوب های عالم واقع یا یکی از جهانهای متعین »^۳ دانست. این چهارچوب ها با زندگی در ارتباطند و معروف و مصنوع و «همواره نیز در بوته ی امکانند»^۴.

۳- اختیار

در خصوص ریشه یابی واژه ی اختیار گفته شده «خاء و یاء و راء ریشه اش گرایش و میل است...خیره، به معنی انتخاب است»^۵.

اختیار با تعابیر گوناگون دیگری نیز تعریف شده است، مثل توان انتخاب^۶ یکی از دو یا چند امر بدیل^۱. این تفسیر از اختیار مستلزم نوعی عدم علیت^۲ در کار مختارانه است. اما اختیاری بودن کاری به

^۱ همان، ص ۵۹

^۲ پاره ای از اسلوب هائی که پیشتر معادل و برابر با جبر به کار می رفته است عبارتند از الف: قوانین علی که قرنهایست فرمانبری پدیده ها یا نمودها را از آن را با جبر یکی می دانند و یا با مفاهیمی مثل " با تحقیق علت می توان به پژوهش قانون دست یازید " ب: قوانین تحول یا تطور : زیست شناسان قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم به قانون توازی بحث و بررسی تکوین موجود و سیر کمالی این موجود توجه داشته اند . این قانون که اساسش در زیست شناسی کنونی به سختی متزلزل شده است یکی از مثالهای قوانین تحول یا تطور است که مقصود از این قانون توجه به مراحل است که جنین این یا آن موجود زنده از آنها عبور می کند و یا نظر به مراحل تبدل انواع است که همگی این مراحل به صورت جبری و اجتناب ناپذیر به وقوع می پیوندد. ج: قوانین وظیفی : هنگامی که جبر را به سوی قوانین ریاضی می رانیم بیشتر به قوانین وظیفی توجه داریم . این قوانین به راحتی در معادلات بیان می شوند . بسیاری از اندیشمندان نظیر راسل و پیرسون قوانین علی و قوانین وظیفی را یکی می گیرند . قوانین وظیفی پایه ی بخش مهمی از فیزیک کلاسیک را تشکیل می دهند و با آنکه در نتیجه ی ظهور نظریه های نسبیّت و کوانتوم بحرانهایی پدید آمده اما این قوانین هنوز اعتبار خود را حفظ کرده اند. برگرفته از جبرهای اجتماعی ص ۶۰-۶۶-۶۹.

^۳ جبرهای اجتماعی ص ۵۹

^۴ همان، ص ۵۹

^۵ معجم مقایس اللغة، ج ۲ ص ۲۳۲

^۶ Choice Power

این معنا نیست که رابطه ی علیت و معلولیتی در بین نباشد. این معنا از اختیار را در آثار اسپینوزا، دکارت و برگسون می توان دید.^۳

از دیگر معانی اختیار انجام دادن کار بر طبق خواست فاعل است. هیوم را می توان از قائلان به این نوع اختیار دانست. این تعبیر از اختیار با علت گرائی سازگاری دارد و کاری که از روی خواست شخص صورت گیرد، کاری اختیاری است هر چند که آن خواست، خودش مجموعه ای از علل را طلب کند. طبق این تعریف «مجبور به کسی گفته می شود که فعل و عدم فعل او به خواست او نباشد بلکه به خواست غیر او باشد، یا به گونه ای دیگر باشد، چنانکه اگر بخواهد یا نخواهد فعل از او محقق و موجود می شود»^۴

معنی دیگر اختیار این است که وقوع فعل از محرکهای درونی و نه عوامل و محرکهای بیرونی، نشات گرفته باشد. در این نوع اختیار آدمی دارای یک "من" یا سرشتی بنیادین است که او را به انجام کار فرا می خواند. این نگاه به اختیار نیز در آثار اسپینوزا دیده می شود. گاهی اختیار با خیر هم پیوند خورده است، به این صورت که کاری را که "باید" انجام شود، انجام داد. و این دقیقا یعنی گزینش خیر.^۵ مطابق این معنا خداوند که خیر مطلق است، مختار مطلق هم هست.

در بین فلاسفه ی اسلامی می توان به تعاریفی از این دست برای اختیار برخورد: ایده ای که مطابق آن «خواستن و اراده کردن یک چیز همان اختیار و برگزیدن آن است، اما لفظ "مختار" تنها برای فاعل قادر به کار می رود»^۶ هر چند اختیار و اراده را یکی می داند اما نمی توان دریافت که منظور نظریه، از لفظ مختار، حقیقت آن راهم شامل می شود یا خیر. ایده ای دیگر این ابهام را برطرف و تقریبا روشن می سازد که «اختیار همان اراده است».^۷

^۱ Alternative

^۲ indeterminism

^۳ در بیان تعاریف اختیار از نگاه فلاسفه ی غرب از کتاب علم پیشین الهی و اختیار انسان نوشته ی آقای محمد سعیدی مهر بهره برده ام.

^۴ خواجه نصیرالدین طوسی، رساله ی جبر و اختیار، قم، چاپخانه قم، بی تا، ص ۲۶

^۵ Good

^۶ شیخ مفید، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، تصحیح عباسقلی وجدی، ۱۳۷۱ق، ص ۵۲

^۷ مارتین ماکدرموت، اندیشه های کلامی شیخ مفید، ترجمه احمد آرام، موسسه مطالعات دانشگاه اسلامی مک گیل، بی تا، ص ۴۹۹

تعاریفی هم برای اختیار عرضه شده که به تفاوت آنها با اراده اشاره می کند. مثلاً تعریفی از این نوع : «مختار به دو طرف یک امر نگاه می کند و به یک طرف میل پیدا می کند ، در حالی که مرید به طرفی که اراده کرده است، توجه دارد»^۱.

طبق این تعریف، در اختیار، ترجیح صورت می گیرد اما اینکه در اراده، ترجیح فعل اراده شده سابقاً روی داده است یا نه، مشخص نیست.

در ضمن، بحث ترجیح، صورتی دیگر از تفاوت بین این دو مقوله را به میان می آورد «فعلی که از روی علم و اراده صادر می شود دو قسم است یا ترجیح یکی از دو طرف به نفس فاعل است بدون تاثیر دیگری... و یا ترجیح و تعیین، مستند به تاثیر دیگری است... قسم اول را اختیاری و قسم دوم را اجباری می نامند»^۲ به نظر این تبیین از اراده و اختیار معقول تر می نماید چون هم فعل اجباری و هم اختیاری با اراده و ترجیح صورت می گیرد گر چه ترجیح در فعل اجباری با اجبار مجبر است.

۴- آزادی^۳

« آزادی مفهومی اجتماعی ، دینی ، و اخلاقی است که در فلسفه و دین محوریت دارد . غالباً اینگونه استدلال می شود که آزادی ریشه در امکان حوادث طبیعی دارد»^۴ طبق این شیوه از تعریف، فعلی که شخص برخوردار از آزادی در صدد انجام آن است ، نباید حتمیت و ضرورت داشته باشد که خارج از آزادی و اختیار فرد ، به نحوی اجتناب ناپذیر صورت گیرد . امکان در این تعریف ، یک مفهوم فلسفی و در مقابل ضرورت به کار رفته است. « هر چند این شیوه ی استدلال برای آزادی متروک شده و در اصل برای وجود آزادی دست کم در حوزه ی اخلاق ، مفهوم دقیق و صریح علیت مسکوت مانده است .»^۵ با این وجود بحث آزادی و اختیار در فلسفه با علیت پیوندی تنگاتنگ دارد و در واقع سخن از علیت است که بحث اختیار و آزادی انسان را پررنگ تر می سازد.

ب : تحلیلی کلی از اراده خدا و انسان

گوناگونی و تکثر آراء در بیان وجود و چیستی اراده ، تبیینی عقلانی تر را در این خصوص می طلبد، چنانکه مثلاً اغلب ما اراده را علت برای افعال خود می دانیم و نه معلول چیز دیگری که اگر سخن به

^۱ المختار بنظر الی الطرفين و یمل احدثهما و المرید ینظر الی الطرف الذی یریده ، سعدالدین تفتازانی، شرح

المقاصد، تحقیق دکتر عبد الرحمن عمیره ، انتشارات شریف رضی، قم ، بی تا ، ص ۱۲۸

^۲ محمد حسین طباطبایی المیزان، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه اسلامی قم ، قم ، بی تا، ج ۱ ص ۱۰۷

^۳ Liberation

^۴ Ileana Marcoulesco " Free Will and Determinism" , Encyclopedia of Religion , Vol , ۵ , p , ۳۱۹۹

^۵ Ileana Marcoulesco " Free Will and Determinism" Encyclopedia of Religion, Vol , ۵ , P.۳۱۹۹

همین جا خاتمه یابد احتمال بروز لوازم دشوارتر، اندک خواهد بود در حالیکه که اگر اراده را هم به علتی مستند سازیم باید در پی هماهنگی تبعات ایده ی خود که در ادامه ذکر خواهد شد، باشیم. لذا توجه به دشواری ارائه ی تعریف و چیستی اراده، شیوه ای درخور برای بیان آن را طلب می کند. در این بخش اراده را از لحاظ وجودی و ماهوی پیگیری میکنیم.

۱- وجود شناسی^۱ اراده ی خدا و انسان

۱-۱- اراده ی انسان

قطعا شناخت اراده به لحاظ وجودی^۲ بسیار کمتر از بررسی ماهوی آن با مشکل روبه رو است. در وجود شناسی اراده و بررسی آن از حیث وجودی تامل در این نکته کفایت می کند که «مقتضای قواعد عقلی این است که هر نوعی از انواع جوهری مبدا فاعلی برای افعالی است که صدور آن افعال به او نسبت داده می شود، افعالی که کمالات ثانی برای آن نوع می باشند. با توجه به قاعده ی عقلی یاد شده، نفس انسانی علت فاعلی افعالی است که از انسان صادر می شود، اما نفس انسانی یک مبدا فاعلی علمی است که تنها اموری از او صادر می شود که آنها را کمال برای خود تشخیص داده است، و از این رو نیاز به این است که پیش از انجام کار، آن را تصور کند و کمال بودن آن را مورد تصدیق قرار دهد... اگر تصدیق روشن و مورد حکم نفس نبود نفس اندیشه می کند و به بررسی مرجحات می پردازد. پس اگر به چیزی دست یابد که کمال بودن آن فعل را روشن می سازد، بدان حکم خواهد کرد و به دنبال تصدیق... شوق به انجام آن کار در نفس پدید می آید... و به دنبال شوق، اراده تحقق می یابد»^۳.

این تامل در فاعلهایی که واجد آگاهی و اندیشه هستند، به راحتی صورت می پذیرد و به مثابه ی علل زمینه ساز اراده، ایفای نقش می کنند.

به صراحت می توان گفت که درک و دریافت وجود اراده به عنوان امری وجدانی در آدمی، همپای درد و لذت است. شکاک ترین افراد نیز نمی توانند اراده را به عنوان امری وجدانی انکار کنند و اگر انکاری در کار باشد، نظری و معرفت شناسی است، و با قبول لوازم انکار، لامحاله اصل هم پذیرفته خواهد شد. در ادامه به گریز ناپذیری این لوازم و قبول آنها اشاره می کنم.

بعضا اراده را نه تنها امری بدیهی الوجود دانسته اند بلکه وجود را با اراده اثبات نموده اند مثل این تعریف «نخستین تجلی ذات الهی در عالم کائنات اندیشه نبوده، بلکه اراده بوده است که از آن به لفظ

^۱ Existensial

^۲ Exist

^۳ محمد حسین طباطبایی، نهایه الحکمه ترجمه علی شیروانی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ۱۳۷۳، ص